

### متن پرسش

بحار الأنوار ج : ۸۹ ص : ۲۰ قال الحسين بن علي صلوات الله عليهما كتاب الله عز و جل على أربعة أشياء على العبارة و الإشارة و اللطائف و الحقائق فالعبارة للعوام و الإشارة للخواص و اللطائف للأولياء و الحقائق للأنبياء سلام: آیا منظور از "عبارت" متن عربی و قرائت آن است؟ جایگاه تفسیر کجاست؟ منظور از اشاره، لطائف و حقائق چیست؟ لطفاً یک آیه، مثال بزنید و در آن آیه توضیح بفرمائید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: روایت ما را متوجه می‌کند که کتاب خداوند دارای باطن و باطن‌ها است. آنچه در ابتدای امر و بر اساس فکر و اندیشه با ما روبه‌رو می‌شود، همان عبارات کتاب الهی است و مفسرین در این حوزه با کتاب الهی برخورد می‌کنند ولی چنانچه روح انسان‌ها به ابعاد باطنی عالم وجود سیر داشته باشد، کتاب الهی را متذکر اشاراتی می‌یابند که مافوق محدوده‌ی الفاظ است و لطایف و حقایق آن نیز به همین شکل است. مثلاً در آیه‌ی ۸۲ سوره‌ی یس که می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» در نگاه اندیشمندانه به ما می‌فهماند که «امر» او در رابطه با مخلوقات، در عالم بی‌زمان واقع می‌شود. ولی اشاره‌ی آن متذکر احساسی است که اهل عرفان دارند و می‌توانند عالم بی‌زمان را احساس کنند و لطایف آن دیگر گفتنی نیست چه رسد به حقایق آن که بین این آیات و رسول خدا برقرار است. موفق باشید